



گفتارهای

مَنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

## موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خلفاء خداوند؛ مهدی؛ وجود مهدی و ویژگی های او

۲. احکام؛ ولایت، قضاوت و شهادت

## بسم الله الرحمن الرحيم

**هشت گفتار از آن جناب حاکی از اینکه ولایت تنها برای مهدی است و گرفتن اولیائی جز او جایز نیست، بلکه شرک شمرده می شود.**

۱. أَخْبَرَنَا عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ عَبْدِ الْقَيْوَمِ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الْمَنْصُورِ الْهَاشِمِيِّ الْخُرَاسَانِيِّ وَهُوَ فِي مَسْجِدٍ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ قَدْ جَعَلَ لَكُمْ الْمَهْدِيَّ وَلِيًّا، فَاتَّخِذُوهُ وَلِيًّا، وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ، قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ! فَقَامَ رَجُلٌ أَحُولٌ مِنْ بَيْنِ النَّاسِ فَقَالَ: وَهَلْ خَلَقَ اللَّهُ الْمَهْدِيَّ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَإِنَّهُ لَيَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ! قَالَ الرَّجُلُ: وَهَلْ رَأَيْتَهُ أَنْتَ بَعِيْنِيكَ؟ فَسَكَتَ الْمَنْصُورُ وَلَمْ يُجِبْهُ حَتَّى سَأَلَهُ الرَّجُلُ ثَلَاثًا، فَقَالَ: مَا كُنْتُ لِأَدْعُوَكُمْ إِلَى مَنْ لَمْ أَرَهُ! قَالَ الرَّجُلُ: فَلِمَ لَا يَخْرُجُ إِلَيْنَا لِنَتَّبِعَهُ؟ قَالَ: يَخَافُ! قَالَ الرَّجُلُ: مِمَّ؟ قَالَ: مِنَ الْقَتْلِ -وَأَشَارَ إِلَى حَلْقِهِ! قَالَ الرَّجُلُ: فَمَا لَكَ لَمْ تَخَفْ كَمَا خَافَ صَاحِبُكَ، فَخَرَجْتَ إِلَيْنَا؟ قَالَ: لِأَنِّي لَا أَبَالِي بِالْقَتْلِ إِنْ قُتِلْتُ وَهُوَ حَيٌّ، وَلَكِنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْحَيَاةِ بَعْدَهُ! قَالَ الرَّجُلُ: فَتَعَالَ نَقْتُلَكَ الْآنَ إِنْ لَمْ تُبَالِ بِالْقَتْلِ! فَقَامَ إِلَيْهِ رَجَالٌ مِنْ أَنْصَارِ الْمَنْصُورِ كَانُوا فِي الْمَسْجِدِ لِيَأْخُذُوهُ، فَأَشَارَ إِلَيْهِمُ الْمَنْصُورُ أَنْ اجْلِسُوا فَجَلَسُوا، ثُمَّ قَالَ لِلرَّجُلِ: بِأَيِّ ذَنْبٍ تُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي أَيُّهَا الرَّجُلُ؟ قَالَ: لِكَيْذِبِكَ! قَالَ الْمَنْصُورُ: وَمَا كَيْدِي؟ قَالَ: قَوْلُكَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْمَهْدِيَّ وَهُوَ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ! قَالَ الْمَنْصُورُ: أَهَذَا كَيْدٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَقَوْلُكَ أَنَّكَ رَأَيْتَهُ بِعَيْنَيْكَ فَتَدْعُو إِلَيْهِ! قَالَ الْمَنْصُورُ: أَهَذَا كَيْدٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَقَوْلُكَ أَنَّهُ لَا يَخْرُجُ إِلَيْنَا لِحُوفِهِ مِنَ الْقَتْلِ! قَالَ الْمَنْصُورُ: أَهَذَا كَيْدٌ؟ قَالَ: نَعَمْ! فَقَالَ الْمَنْصُورُ: اجْلِسْ أَيُّهَا الرَّجُلُ! فَإِنَّكَ كَذَبْتَ ثَلَاثًا لَمْ تُحِطْ بِوَاحِدٍ مِنْهَا عِلْمًا، فَوَاللَّهِ لَنْ تُفْلِحَ بَعْدَ هَذَا أَبَدًا! قَالَ عَبْدُ السَّلَامِ: فَبَلَّغْنَا أَنَّ الرَّجُلَ ذَهَبَ مَالُهُ وَوَلَدُهُ، وَأَصَابَهُ دَاءٌ لَا دَوَاءَ لَهُ، حَتَّى تَرَكَ الصَّلَاةَ ثُمَّ قَتَلَ نَفْسَهُ!

### ترجمه‌ی گفتار:

عبد السلام بن عبد القیوم ما را خبر داد، گفت: بر منصور هاشمی خراسانی وارد شدم در حالی که در مسجدی بود، پس شنیدم که می‌فرماید: ای مردم! هرآینه خداوند برای شما مهدی را ولی قرار داده است، پس او را ولی بگیرید و غیر او اولیائی نگیرید، اندکی متذکر می‌شوید! در این هنگام مردی که چشم او چپ بود از میان مردم برخاست و گفت: آیا خداوند مهدی را خلق کرده است؟! آن جناب فرمود: آری و هرآینه او طعام می‌خورد و در بازارها راه می‌رود! مرد گفت: آیا تو خودت او را با دو چشمت دیده‌ای؟! پس منصور سکوت کرد و به او پاسخی نداد، تا آنکه مرد سه بار پرسشش را تکرار کرد، در این هنگام آن جناب فرمود: من شما را به سوی کسی که ندیده باشم دعوت نمی‌کنم! مرد گفت: در این صورت چرا به سوی ما بیرون نمی‌آید تا از او پیروی کنیم؟! فرمود: می‌ترسد! مرد گفت: از چه؟! فرمود: از کشته شدن -و به خلق خود اشاره نمود! مرد گفت: پس چرا تو نترسیدی همان طور که رفیقت ترسید و به سوی ما بیرون آمدی؟! فرمود: به خاطر اینکه من از کشته شدن نمی‌ترسم اگر در حالی کشته شوم که او زنده است، ولی خیری در زنده ماندن بعد از او نیست! مرد گفت: پس بیا که اینک ما تو را بکشیم اگر از کشته شدن نمی‌ترسی! در این هنگام مردانی از یاران منصور که در مسجد بودند به سوی مرد برخاستند تا او را بگیرند، ولی منصور به آنان اشاره کرد که بنشینید، پس نشستند؛ سپس به مرد فرمود: به کدام گناه می‌خواهی من را بکشی ای مرد؟! گفت: به خاطر دروغ! منصور فرمود: دروغم کدام است؟! گفت: این سخت که خداوند مهدی را خلق کرده است و او طعام می‌خورد و در بازارها راه می‌رود! منصور فرمود: آیا این دروغ است؟! گفت: بله و این سخت که او را خود با دو چشمت دیده‌ای، پس به سویش دعوت می‌کنی! منصور فرمود: آیا این دروغ است؟! گفت: بله و این سخت که او به خاطر ترس از کشته شدن به سوی ما بیرون نمی‌آید! منصور فرمود: آیا این دروغ است؟! گفت: بله! در این هنگام منصور فرمود: بنشین ای مرد! زیرا تو سه چیز را تکذیب کردی که به هیچ یک از آن‌ها احاطه‌ی علمی نداشتی، پس به خدا سوگند پس از این رستگار نخواهی شد! عبد السلام گفت: پس به ما خبر رسید که این مرد همه‌ی اموال و اولادش را از دست داد و به مرضی دچار شد که درمانی نداشت تا اینکه نماز را وا گذاشت و سپس خودکشی کرد!

۴. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الطَّالِقَانِيُّ، قَالَ: كُنْتُ بِبَابِ الْمُنْصُورِ أَنْتَظِرُهُ، فَسَمِعْتُهُ يُكَلِّمُ رَجُلًا فِي الْبَيْتِ فَيَقُولُ لَهُمْ: إِنَّ الْمَهْدِيَّ يَخْشَى أَنْ لَا يُطَاعَ، وَلَوْ أَنَّهُ ثَبَّتَتْ لَهُ قَدَمَاهُ لَأَقَامَ كِتَابَ اللَّهِ وَالْحَقُّ كُلُّهُ! أَمَّا وَاللَّهِ لَا خَيْرَ إِلَّا فِي كِتَابِ اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ فِي الْأَرْضِ، وَأَمَّا مَا سِوَاهُمَا فَلَا! قَالَ: فَخَطَرَ بِيَالِي كَيْفَ يَتَجَرَّأُ أَنْ يَقُولَ هَذَا وَالْمَهْدِيُّ غَائِبٌ؟! فَمَا لَيْتَ أَنْ خَرَجَ إِلَيَّ مِنَ الْبَيْتِ وَقَالَ: يَا أَحْمَدُ!

كَانَ الْمَهْدِيُّ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ مُنْذُ غَابَ عَنْهُمْ! كَانَ الْمَهْدِيُّ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ مُنْذُ غَابَ عَنْهُمْ!  
كَانَ الْمَهْدِيُّ أَوَّلَى النَّاسِ بِالنَّاسِ مُنْذُ غَابَ عَنْهُمْ! -ثَلَاثًا.

### ترجمه‌ی گفتار:

احمد بن عبد الرحمن طالقانی ما را خبر داد، گفت: بر در خانه‌ی منصور به انتظار او ایستاده بودم، پس شنیدم با مردانی در خانه سخن می‌گویند و می‌فرمایند: هرآینه مهدی می‌ترسد که اطاعت نشود و اگر او دو پایش برایش استوار شود هرآینه کتاب خدا و حق را به طور کامل بر پا می‌دارد! هان به خدا سوگند خیری نیست مگر در کتاب خدا و خلیفه‌ی او در زمین و اما غیر از آن دو پس نه! (احمد) گفت: در این هنگام به ذهنم خطور کرد که او چگونه جرأت می‌کند این را بگوید در حالی که مهدی غایب است؟! پس چیزی نگذشت که از خانه به سوی من بیرون آمد و فرمود: ای احمد! مهدی از آن هنگام که از مردم غایب شده سزاوارترین مردم به (حکومت بر) آنان بوده است! مهدی از آن هنگام که از مردم غایب شده سزاوارترین مردم به (حکومت بر) آنان بوده است! مهدی از آن هنگام که از مردم غایب شده سزاوارترین مردم به (حکومت بر) آنان بوده است! -سه مرتبه.

۳. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ حَبِيبٍ الطَّبْرِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: الْمَهْدِيُّ سَبِيلٌ مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ، وَذَلِكَ مِنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾<sup>۱</sup>.

### ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن حبيب طبری ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: مهدی راهی است که هر کس در غیر آن گام نهد هلاک می‌شود و این از سخن خداوند بلندمرتبه است که فرمود: «و هرآینه این راه من است که راست است پس آن را بپویید و راه‌های دیگر را نپویید که شما را از راه او پراکنده می‌کند، این چیزی است که شما را به آن پند می‌دهد باشد که پرهیزکار شوید».

۴. أَخْبَرَنَا ذَاكِرُ بْنُ مَعْرُوفٍ الْخُرَاسَانِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا﴾<sup>۲</sup>، قَالَ: لَا تَجْعَلْ مَعَ الْمَهْدِيِّ إِمَامًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا! فَرَأَوْنِي أَنْظَرُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: هَذَا مِنْ تَأْوِيلِهِ، قُلْتُ: وَمَا تَأْوِيلُهُ؟ قَالَ: مُضْدَاقُهُ.

۱. الأنعام / ۱۵۳

۲. الإسراء / ۲۲

### ترجمه‌ی گفتار:

ذاکر بن معروف خراسانی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که فرموده است: «با خداوند خدای دیگری قرار نده که نکوهیده و واگذاشته خواهی نشست»، فرمود: با مهدی امام دیگری قرار نده که نکوهیده و واگذاشته خواهی نشست! پس آن جناب دید که من (با تعجب) به او می‌نگرم، پس فرمود: این از تأویل آن است! گفتیم: (مراد از) تأویل آن چیست؟ فرمود: مصداقش.

### شرح گفتار:

این از آن روست که گرفتن پیشوایی جز پیشوای منصوب از جانب خداوند، با توحید خداوند در حاکمیت منافات دارد و به شرک باز می‌گردد و این نکته‌ی بسیار مهمی است که در کتاب شریف «بازگشت به اسلام»<sup>۱</sup> به تفصیل تبیین شده است.

۵. أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ الْمَنْصُورِ أَقْرَأُ كِتَابَ اللَّهِ، فَلَمَّا بَلَغْتُ قَوْلَهُ تَعَالَى: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ﴾<sup>۲</sup>، قَالَ: أَتَعْلَمُ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ؟ قُلْتُ: اللَّهُ وَوَلِيُّهُ أَعْلَمُ، قَالَ: مَنْ نَصَبَ دُونَ الْمَهْدِيِّ شَيْئًا فَهُوَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ! قُلْتُ: أَمَا أَنْتَ مَهْدِيٌّ، جُعِلْتُ فِدَاكَ؟! قَالَ: أَنَا مَهْدِيٌّ إِلَى اللَّهِ وَخَلِيفَتِهِ، وَلَكِنَّ الْمَهْدِيَّ مَهْدِيٌّ آلِ الْبَيْتِ.

### ترجمه‌ی گفتار:

محمد بن عبد الرحمن هروی ما را خبر داد، گفت: نزد منصور کتاب خدا را تلاوت می‌کردم تا به این سخن او رسیدم که می‌فرماید: «و از مردم کسی است که خدا را بر لبه‌ای می‌پرستد»، فرمود: آیا می‌دانی که چه کسی خدا را بر لبه‌ای می‌پرستد؟ گفتیم: خدا و ولیش داناترند، فرمود: کسی که چیزی غیر از مهدی را منصوب می‌کند، او خدا را بر لبه‌ای می‌پرستد! گفتیم: آیا تو یک مهدی (به معنای هدایت شده) نیستی فدایت شوم؟! فرمود: من مهدی به سوی خدا و خلیفه‌اش هستم، ولی مهدی مهدی آل البيت است.

۶. أَخْبَرَنَا وَلِيدُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّجِسْتَانِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾<sup>۳</sup>، قَالَ: الَّذِينَ آمَنُوا بِوَلَايَةِ الْمَهْدِيِّ وَلَمْ يَخْلُطُوهَا بِوَلَايَةِ فَلَانٍ وَفُلَانٍ.

۱. ص ۲۵۱

۲. الحج / ۱۱

۳. الأنعام / ۸۲



### ترجمه‌ی گفتار:

ولید بن محمود سجستانی ما را خبر داد، گفت: از منصور درباره‌ی سخن خداوند بلندمرتبه پرسیدم که می‌فرماید: «کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را با ظلم نپوشاندند برای آنان امنیت است و آنان هدایت یافتگانند»، فرمود: کسانی که به ولایت مهدی ایمان آوردند و آن را به ولایت فلانی و فلانی نیامیختند.

۷. أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَلْخِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْعَالِمَ يَقُولُ: مَنْ أَشْرَكَ مَعَ إِمَامٍ إِمَامَتُهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَنْ لَيْسَتْ إِمَامَتُهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ، فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ! قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، إِنَّهُمْ يَتَشَبَّهُونَ بِالْغَيْبَةِ! قَالَ: وَهَلْ يَتَشَبَّهُ بِهَا إِلَّا كُلُّ سَارِقٍ! مَا لَهُمْ -قَطَعَ اللَّهُ أَيْدِيَهُمْ- يُكْرَهُونَهُ عَلَيْهَا ثُمَّ يَتَشَبَّهُونَ بِهَا! لَا وَاللَّهِ بَلْ أَشْرَكُوا! لَا وَاللَّهِ بَلْ أَشْرَكُوا!

### ترجمه‌ی گفتار:

عبد الله بن محمد بلخی ما را خبر داد، گفت: شنیدم عالم می‌فرماید: هر کس با امامی که امامتش از نزد خداوند است امامی را شریک سازد که امامتش از نزد خداوند نیست، چنان است که از آسمان پرتاب شده پس پرنده‌ای او را ربوده یا باد او را به جایی دور انداخته باشد! گفتیم: فدایت شوم، این‌ها غیبت را دستاویز قرار می‌دهند! فرمود: و آیا جز این است که هر سارقی آن را دستاویز قرار می‌دهد؟! آن‌ها را چه می‌شود -خداوند دستانشان را قطع کند- که خود او را به آن وادار می‌کنند و سپس آن را دستاویز قرار می‌دهند؟! نه به خدا سوگند بلکه شریک گرفتند (یا مشرک شدند)! نه به خدا سوگند بلکه شریک گرفتند (یا مشرک شدند)!

### شرح گفتار:

منظور آن جناب از اینکه «هر سارقی غیبت را دستاویز قرار می‌دهد» این است که هر سارقی در غیبت مالک به سرقت مال او اقدام می‌کند و این تشبیه اقدام این گروه در غیبت مهدی به اقدام سارقان در غیبت صاحب‌خانه است.

۸. أَخْبَرَنَا هَاشِمُ بْنُ عُبَيْدٍ الْحُجَنْدِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: أَمَرَ النَّاسَ بِمَعْرِفَةِ الْمَهْدِيِّ وَالرَّدِّ إِلَيْهِ وَالتَّسْلِيمِ لَهُ، فَإِنْ صَلُّوا وَصَامُوا وَجَعَلُوا فِي أَنْفُسِهِمْ أَنْ لَا يَرُدُّوا إِلَى الْمَهْدِيِّ كَمَا أُمِرُوا، كَانُوا بِذَلِكَ مُشْرِكِينَ! ثُمَّ سَكَتَ حَتَّى قُمْتُ مِنْ عِنْدِهِ، فَنَادَانِي: يَا هَاشِمُ! لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ أَنَّهُ مَنْ سَمِعَ مَقَالَتِي هَذِهِ فَلَمْ يُجِبْهَا أَكْبَهُ اللَّهُ عَلَى مِنْخَرِهِ فِي النَّارِ، كَأَنِّي مَنْ كَانَ!



### ترجمه‌ی گفتار:

هاشم بن عبید خجندی ما را خبر داد، گفت: شنیدم منصور می‌فرماید: مردم به شناخت مهدی و ارجاع به او و واگذاردن به او امر شده‌اند، پس اگر نماز بگزارند و روزه بگیرند ولی بنا را بر این نگذارند که به مهدی واگذار کنند، با این کار مشرک می‌شوند! سپس سکوت نمود تا اینکه من از نزد او برخاستم، پس من را آواز داد: ای هاشم! هرآینه این سخن راست آمد که هر کس این گفتمان من را بشنود و آن را اجابت نکند، خداوند او را با بینی اش به آتش می‌اندازد، هر کس که می‌خواهد باشد!



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب فوق

\* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.